اقتصاد سبز

خاستگاه فکری و اندیشه‌ای اقتصاد سبز از کجاست؟

فاطمه پاسبان . کارشناس کشاورزی

● سخن آغازین مبحث اقتصاد سبز را از چرایی شکل‌گیری این مفهوم شروع می‌کنیم. اینکه اقتصاد چیست که واژه سبزبودن با آن عجین شده و مفهومی جدید را به ادبیات و سیاستگذاری اقتصادی افزوده است؟ چطوری و به چه دلایلی در طول زمان مفهوم اقتصاد سبز تجلی و ظهور یافت؟ اقتصاد دانش تخصیص بهینه منابع است چرا که معتقد است منابع محدود و کمیاب و نیازهای بشری نامحدود است و لاجرم برای هماهنگی بین این دومقوله تخصیص بهینه منابع صورت می‌گیرد. پرسش بنیادین علم اقتصاد مساله حداکثرشدن رضایت و مطلوبیت انسان‌هاست. در این میان رفتار انسان‌ها در برخورد با مقوله‌های مختلف مورد واکاوی قرار می‌گیرد؛ از تولید گرفته تا مصرف و توزیع و رفاه و عدالت اجتماعی. با مروری بر تاریخ ادبیات علم اقتصاد ملاحظه می‌شود تعاریف متعددی از علم اقتصاد ارایه شده از آدام اسمیت که اقتصاد را علم تولید ثروت قلمداد می‌کرد تا ریکاردو که آن را علم تولید و توزیع ثروت می‌دانست و تعاریف دیگری که در طول زمان ارایه شد که شالوده اصلی همه آنها بر این نکته تاکید دارد که اقتصاد علم استفاده بهینه از منابع کمیاب تولید است. در طول تاریخ و تحولاتی که در بستر زمان شکل گرفت، مفاهیم دیگری در علم اقتصاد موضوعیت پیدا کرد که بخش عظیمی از ادبیات علم اقتصاد را به خود مطوف کرده و می‌کند؛ مفاهیم رشد، توسعه و توسعه پایدار و چگونگی دستیابی به آن. شکل‌گیری جهان چندقطبی (توسعه‌یافته، در حال توسعه، کمترتوسعه‌یافته)، فقر و بیکاری، رشد فزاینده صنعتی و عدم توجه به محیط‌زیست و منابع طبیعی، آلودگی‌های زیست‌محیطی و هزاران‌مساله جهانی دیگر اندیشمندان اقتصاد توسعه را به سمت نظریات جدید توسعه‌ای که بتواند مسایل موجود را حل و فصل کند رهنمون کرد. خاستگاه نظریات اقتصادی به زمان و مکان وابستگی دارد و هر برهه از زمان و در هر مکانی که مساله‌ای به وجود آمده و نظریات قبلی پاسخی برای آن نداشته، اندیشه‌های جدید ظهور یافته است.

رشد اقتصادی به‌عنوان معیاری برای سنجش وضعیت اقتصادی کشورها مطرح شد. مفهوم رشد اقتصادی به معنای افزایش تولید در یک‌سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه مطرح شد. هدف‌گذاری مفهوم رشد اقتصادی، رشد تغییرات کمی اقتصادی است و تغییرات کیفی را بیان نمی‌کند. به عبارتی دیگر کیفیت زندگی، رفاه و توزیع درآمد و ثروت، هزینه‌های بیرونی که بر جامعه به دلیل رشد اقتصادی حاصل می‌شود، نادیده گرفته می‌شود. در مقابل، برای جبران نواقص معیار رشد اقتصادی، مفهوم توسعه اقتصادی به موضوع ادبیات وارد شد. توسعه اقتصادی هم کمیت و هم کیفیت را دربر دارد. توسعه اقتصادی عبارت است از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید همراه با تحول در نهادهای اجتماعی و نگرش‌ها حاصل خواهد شد و توان بهره‌برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش یافته و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد. هدف توسعه اقتصادی در وهله اول افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (و ریشه‌کنی فقر) و بعد از آن ایجاد اشتغال بوده که هر دو این اهداف در راستای عدالت اجتماعی است. کشورهای جهان این مفهوم را در سیاستگذاری‌های اقتصادی به کار بستند و به دنبال رشد شتابان و توسعه اقتصادی با درجات مختلف در پی توسعه فناوری و صنعت بوده و بیش از آنکه بتوانند محیط‌زیست و منابع طبیعی را برای زندگی مساعدتر کنند بیش از بیش از آن بهره‌برداری کرده و حقوق نسل‌های آینده را نسبت به ذخایر غیرقابل تجدید که در معرض پایان‌پذیری است، نادیده گرفته و به سهم فرزندان از منابع و طبیعت هیچ توجهی نکردند. به مرور زمان و مشاهده آثار زیانبار توسعه اقتصادی ناشی از عدم‌توجه به محیط و منابع طبیعی، کشورهای جهان را نسبت به استراتژی‌های توسعه، حساس کرد به طوری که حفاظت از منابع و محیط‌زیست را وظیفه عمومی خود قلمداد کردند.

گوی سبقت در دست عرضه است

سیگنال ضعیف صعود در انتظار تحولات سیاسی ـ اقتصادی



عکس: محمد موبدی

آرزو علیمدد: خبر اصلاح استاندارد شماره ۱۵ حسابداری می‌توانست تیشه‌ای باشد که به ریشه بازار سرمایه زده شده و آن را قلع و قمع کند. در حالی که ماه‌هاست بازار سرمایه کم‌رمق در حال ادامه مسیر است، هر ضربه‌ای، هرچند کوچک، می‌تواند ساختارش را دستخوش فروپاشی کند. با این وجود نه‌تنها نجوایی از کمک به بازار سرمایه به گوش نمی‌رسد که اصلاحات، تغییرات و اطلاعیه‌ها هم در راستای درهم‌کوبیدن این بازار است. هفته گذشته خبری روی سایت‌ها قرار گرفت که بر مبنای آن، استاندارد ۱۵ حسابداری دستخوش تغییر شده بود. هرچند اصلاح، مفهوم بهبود شرایط را در خود مستتر دارد اما گاه برخی از این بهبودها، آن‌هم در برخی شرایط خاص، پیامد ویرانگری دارد.

استاندارد شماره ۱۵ حسابداری، به نحوه حسابداری سرمایه‌گذاری‌ها و الزامات افشای اطلاعات مربوط به این حوزه، می‌پردازد. یکی از موارد تجدیدنظرشده در استاندارد مذکور، این است که سرمایه‌گذاری‌های سریع‌المعامله جاری باید به خالص ارزش فروش در ترازنامه منعکس شوند، صرف‌نظر از اینکه سرمایه‌گذاری‌ها تا تاریخ ترازنامه به فروش رسیده یا در آن تاریخ موجود باشند. با لازم‌الاجراشدن این استاندارد، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و سایر شرکت‌ها موظف می‌شوند در پایان هر سال، سود ناشی از افزایش ارزش در سرمایه‌گذاری‌های سریع‌المعامله خود را شناسایی کنند.

اجرای این اصلاحیه می‌توانست بازار سرمایه را با عرضه‌های سنگین مواجه کند. در این خصوص، بهروز خدارحمی، دبیرکل کانون نهادهای سرمایه‌گذاری به خبرگزاری فارس گفت: «تصمیم عجولانه‌ای که در مورد اصلاح استاندارد شماره ۱۵ حسابداری گرفته شد، بحث مالیات بر سود ناشی از مابه‌التفاوت قیمتی سرمایه‌گذاری‌ها بود. افزایش ارزش و شناسایی سود بدون اینکه هیچ اتفاقی رخ دهد، طبق گفته سازمان امور مالیاتی مشمول مالیات می‌شد و این مالیات بیش از ۲۰درصد بود که باید پرداخت می‌شد.»

وی همچنین تاکید کرد: «این نگرانی وجود داشت که تصمیم سازمان حسابرسی منجر به عرضه گسترده سهام در بورس شود که مشمول معافیت مالیاتی است، همین امر منجر به عرضه هزاران‌میلیاردتومان سهام پیش از پایان سال مالی شرکت‌ها می‌شد.»

اما خوشبختانه اجرای این اصلاحیه به سال آینده موکول شد و سازمان حسابرسی اعلام کرد: «این ابهام مالیاتی وجود داشت که آیا سود شناسایی‌شده از این بابت مشمول مالیات است یا خیر؟ و جزییات این موضوع، باید چگونه باشد؟ بنابراین سازمان حسابرسی به منظور تعیین‌تکلیف ابهامات موجود در تعامل با سازمان امور مالیاتی و سازمان بورس و اوراق بهادار، اجرای الزامات مربوطه را که پیش‌تر قرار بود در سال‌جاری، اعمال شود، به سال آینده موکول کرد.»

هرچند اجرا و اصلاح این استاندارد به سال آینده موکول شد، اما سرمایه‌گذاران از این نکته غافل نمی‌شوند، در حالی که بازار سرمایه ما همانند یک بیمار نیاز به تیمار دارد، هر دم از گوشه‌ای ضربه‌ای به آن وارد می‌شود. این در حالی است که با توجه به شرایط حال حاضر اقتصاد و بورس کشور، تنها چیزی که می‌تواند سرمایه‌گذاران را به ادامه مسیر تشویق کند، ثبات نسبی در سیاست‌ها و قوانین است. درحالی‌که قیمت بسیاری از سهام به کف رسیده است، هنوز عرضه، گوی سبقت را ربوده است. تحلیل‌ها چه تکنیکال و چه فاندامنتال، سیگنال‌های صعود دارند، اما واقعیت چیز دیگری است و بازار همچنان در سراشیبی نزول قرار دارد.

آنچه می‌تواند ساختار بورس را با تغییر روبه‌رو کند، توافقات هسته‌ای است. کاهش تحریم‌های اقتصادی، جان دوباره‌ای به بسیاری از شرکت‌های بورسی می‌دهد. هرچند فضای خوش‌بینی بر کلیات این توافق حاکم است، اما تنها خبر قطعی است که می‌تواند بر بازار سرمایه تاثیرگذار باشد. در این راستا عباس عراقچی اعلام کرده است«مذاکرات هسته‌ای به نقطه نفسگیری رسیده است و وارد بسیاری از جزییات شده‌ایم ولی هنوز در مسایل کلیدی نتوانسته‌ایم به راه‌حل‌های مورد قبول دست یابیم، البته راه‌حل‌هایی پیشنهاد شده ولی هنوز کارآیی لازم را نداشته است.» این در حالی است که رییس‌جمهور در سخنان خود در نیویورک اذعان کرد: «دولت ایران در سال‌جاری میلادی، با ابتکاراتی که در مذاکرات هسته‌ای به‌کار برد، شرایط جدیدی را برای حل موضوع به وجود آورد که دستاورد مرحله‌ای آن، توافق ژنو بود. در صورتی‌که طرف‌های مذاکره‌کننده نیز متقابلا از عزم و انعطاف کافی برخوردار باشند و ظرف مهلت تعیین‌شده، بتوانیم در حل این مساله به موفقیت کامل دست یابیم، فضای کاملا متفاوتی به‌لحاظ همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی به وجود خواهد آمد.»

به این ترتیب به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاران همچنان صبور و در انتظار اخبار خوش باشند. اما آنچه انتظار می‌رود این است که مسوولان با دقت‌نظر بیشتری درخصوص انتشار اخبار مرتبط با بازار سرمایه اقدام کنند چراکه در این برهه زمانی بورس ما بسیار شکننده است. هفته گذشته با اعلام برخی پیش‌بینی سودهای شش‌ماهه، شاخص - پس از هفته‌ها سرخ‌پوشی، سبز شد و اندکی مثبت بود. در طی معاملات هفته گذشته بازار سرمایه، شاخص رشدی ۳۴۵واحدی داشت و به ۷۱هزارو ۷۸۸ واحد رسید. هرچند این تغییر مثبت تنها ۰/۴۸درصد بود، اما رشد شاخص هفته‌ها بود که میسر نشده بود.

ادامه از صفحه ۴

گفته می‌شود بانک‌ها در ازای دریافت کارمزد سود بسیاری عایدشان می‌شود. دقیقا چه مقدار سود از محل دریافت کارمزد تامین می‌شود؟

هیچی. واقعیت این است که ما برای نگهداری شبکه پرداخت سالانه بین ۴۰۰ تا ۹۰۰میلیاردتومان کم داریم. ما سه‌میلیون و۲۰۰هزار pos در کشور نگهداری می‌کنیم. این شبکه برای بانک‌ها نیست برای شرکت‌های psp است که برای نگهداری این شبکه پول کم دارند که در نهایت به سراغ بانک‌ها می‌روند تا هزینه‌های خود را تامین کنند. بانک پول خود را از کجا باید تامین کند که به این شرکت psp بدهد؟ بانک سود خود را کم نمی‌کند، نرخ تسهیلات خود را بالاتر می‌برد. در شرایط فعلی، بانک‌های دولتی ما اضافه‌برداشت از بانک‌مرکزی دارند تا بتوانند پول psp را بدهند؛ اضافه برداشت بانک‌مرکزی یعنی اینکه ماز جیب ۷۸میلیون‌نفر پول چاپ کردیم، تورم ایجاد شده و ارزش پول شما کم شده است تا آن ۴۰۰میلیارد برای اینها تامین شود؛ یعنی بانک‌مرکزی مفت و بدون پشتوانه باید اسکناس چاپ کند به خاطر یک‌میلیون و۷۰۰هزار پذیره که حاضر نیستند به خاطر یک تراکنش صد تا تک‌تومانی بدهند. به خاطر اینها که کار تجاری می‌کنند، واحد تجاری هستند و مدام در رفت‌وآمد به بانک‌ها هستند؛ باید از جیب ملت خرج کنیم.

شما بنا دارید از هر پذیرنده‌ای بابت هر تراکنش بانکی صدتومان بگیرید، چقدر خود بانک‌مرکزی و بانک‌ها باید این وسط هزینه کنند؟ یعنی در اصل چقدر برای شما تمام می‌شود؟

قیمت تمام‌شده هر تراکنش روی pos با سود آن برای ما ۳۴۰تومان تمام می‌شود، اگر سود آن را در نظر نگیرید، ۲۱۶تومان خواهد شد. بانک‌ها همین الان حدود ۱۰۶تومان سوبسید به شرکت‌های psp می‌دهند. فاصله بین این ۲۱۶تومان و ۱۰۶تومان را باید از کجا تامین کنیم؟ یا باید از بانک‌ها اضافه‌تر پول بگیریم که به اضافه‌برداشت آنها از بانک‌مرکزی منجر می‌شود یا باید از منبع دیگری تامین شود. ما می‌خواهیم صدتومان از مغازه‌داران بگیریم و مابقی را بانک‌ها تامین کنند. بیشتر صادرکنندگان کارت‌های بانکی، بانک‌های دولتی هستند که الان با مشکل منابع روبه‌رو هستند و سود هم نمی‌دهند. سود بانک دولتی در جیب چه کسی می‌رود اما من الان می‌خواهم بگویم که سود بانک، دولتی پول ملت است. آیا ۷۸میلیون‌نفر در این مملکت حاضر هستند که به یک‌میلیون و۷۰۰هزارنفر سوبسید بدهند؟

سودآوری بانک‌ها از محل رسوب پول‌ها در حساب‌های متصل به کارت‌خوان‌ها چقدر بوده است؟

زیانشان را می‌توانم بگویم نه درآمد آنها را. این نکته‌ای است که من باید بگویم اما وقتی می‌گویم هیاهو و جنجال به پا می‌کنند. آقای مغازه‌دار شما پول جنس خودتان را نقدا دریافت کنید، در مغازه خود این پول را نگه دارید، فردا که مجبور هستید این پول را در بانک بیاورید، تا ابد که نمی‌توانید این پول را در مغازه نگه دارید. بانک که در این حالت سود نمی‌دهد، فردا هم این پول در حساب جاری مغازه‌دار می‌رود که به حساب جاری هم سود نمی‌دهند. حالا در این حالت هزینه بانک صفر است. آن اسکناس‌ها به جای اینکه در بانک باشد، در مغازه مانده است؛ یعنی مغازه‌دار زحمت خزانه‌داری بانک‌ها را هم کشیده، چون شب پول خود را در مغازه نگه داشته است که صبح در بانک بیاورد. پس این رسوب پول وجود دارد ولی اتفاقی نمی‌افتد. آن هفت‌درصد اسکناس موجود در کشور و ۹۳درصد سپرده‌های دیداری را در نظر بگیرید. جای اسکناس یا در خزانه بانک است یا در مغازه. چه این پول در خزانه بانک باشد چه در مغازه، هیچ منفعتی برای بانک ندارد. چون روی اسکناس نمی‌توانید اعتبار جمع کنید فقط روی سپرده می‌توانید اعتبار داشته باشید. خریدار در pos کارت می‌کشید، دو ساعت بعد یا نهایت ساعت هشت‌شب پول در حساب فروشنده است، ساعت یک صبح فروشنده از بابت آن سود می‌گیرد. پس هزینه بانک‌ها بالاتر رفته است، از کدام درآمد بانک‌ها صحبت می‌کنید؟ کدام رسوب پول؟ همه اینها خواب و خیال است، تفکرات بدوی است. اگر همین الان بانکداری الکترونیک را تعطیل کنیم، سودآوری بانک‌ها بیشتر می‌شود.

بنابراین بانک‌ها از محل رسوب پول درآمدی کسب نمی‌کنند، پس چرا رقابت می‌کنند؟ چرا جایزه می‌دهند؟

دقیقا؛ همه می‌گویند اگر بانک‌ها پول نداشتند که این کارها را نمی‌کردند؛ در حالی که بحث اصلا این نیست. موضوع سر این است که بانک‌ها می‌خواهند سهم یکدیگر را بقاپند. این یعنی ما در یک خانه با هم دعوا داریم درحالی که بانک‌ها دارند خودکشی می‌کنند.

اصناف با پرداخت کارمزد هرچند ناچیز موافقت نکردند، چه ضمانت اجرایی برای دریافت کارمزد از پذیرندگان وجود دارد؟

کارمزد در زمان تسویه‌حساب کسر می‌شود؛ این ضمانت اجراست.

البته رییس اتاق اصناف در مصاحبه‌ای خطاب به شما گفتند که آقایان نمی‌توانند خودسرانه کارمزد را اجرایی کنند! پاسخ شما به ایشان چیست؟

آیا اگر وقتی اداره برق، مخابرات، همراه اول می‌خواهند تعرفه خود را بالاتر ببرند، باید از اصناف اجازه بگیرند و با آنها هماهنگ کنند. آیا شهرداری‌ها برای دریافت عوارض با آقای فاضلی هماهنگی می‌کنند؟ یا اداره برق باید با شما هماهنگ کند که تعرفه برق امسال چقدر باید باشد؟ فروشگاه‌ها اگر می‌توانند برق خودشان را روشن نکنند. همان‌طور که می‌شود ما برق مصرف نکنیم و پول برق ندهیم، مغازه‌دارها هم pos استفاده نکنند و کارمزد آن را هم ندهند. من به زور از کسی پول نمی‌گیرم. مگر من مجبور کردم که مغازه‌ها پایانه فروشگاهی داشته باشند؟

شما از بابت اینکه تراکنش کارت‌خوان‌ها به سمت خودپردازها هدایت شود، احساس خطر نمی‌کنید؟ نگرانی ندارید؟

من یک‌درصد کارمزد هم نگذاشتم که نگران این قضیه باشم، اگر یک‌درصد کارمزد گذاشته بودم، قطعا این اتفاق می‌افتاد.

در حال حاضر چند کارت‌خوان در حوزه اصناف وجود دارد؟

سه‌میلیون و۲۰۰هزار کارت‌خوان که حدود ۷۰۰کارت‌خوان کم‌تراکنش محسوب می‌شوند.

قطعا برخی مغازه‌داران کارت‌خوان‌های خود را برمی‌گردانند؛ با آنها چه کار خواهید کرد؟

کارت‌خوان‌ها را یا در انبار می‌گذاریم یا اینکه در مناطقی که درخواست کارت‌خوان وجود دارد، کارت‌خوان‌ها را به آن مناطق می‌بریم. خیلی‌ها حاضر هستند که پول بدهند تا کارت‌خوان داشته باشند، چون خرید کارت‌خوان سخت و گران شده است. آنهایی که حاضر نیستند صدتومان بدهند، کارت‌خوان‌های خود را برگردانند، جاهای دیگری می‌گذاریم که خیلی هم استقبال می‌کنند.

با توجه به اینکه هم‌اکنون پول خرد در کشور به اندازه کافی وجود ندارد، بسیاری از افراد خریدهای خرد خودشان را هم با کارت بانکی انجام می‌دهند. این مساله موجب نمی‌شود که مردم در خریدهای خرد با مشکل مواجه شوند؟

مشکل ما خرید زیر ۱۰هزارتومان نیست، مشکل ما خرید زیر پنج‌هزارتومان است. سود مغازه‌دار بین ۱۰ تا ۱۵درصد است، شما وقتی پنج‌هزارتومان خرید می‌کنید، سود مغازه‌دار عددی است حول‌وحوش ۵۰۰ تا ۷۵۰تومان. بنابراین صدتومان حتی در همان تراکنش پنج‌هزارتومانی هم عددی نیست اما زمانی که تراکنش به دوهزارتومان برسد، سود مغازه‌دار ۲۰۰تومان می‌شود و صدتومان برای او سنگین تمام می‌شود. من خیلی دوست داشتم که کیف پول الکترونیک راه‌اندازی می‌شد، بعد کارمزدها را اجرایی می‌کردیم که به صورت خرد و درشت بتوانید الکترونیکی کار کنید اما واقعیت این است شرکت‌های psp با هزینه‌های روزمره فعلی حتی شبکه را هم نمی‌توانند اداره کنند و به همین دلیل نمی‌توانستند برای کیف پول الکترونیکی هزینه کنند.

کدام‌یک از صنوف، مشکل بیشتری بر سر پرداخت کارمزد دارند؟

ما فکر می‌کنیم خرده‌فروشان و بقالی‌ها که پفک می‌فروشند، از همه بیشتر مشکل داشته باشند که ندارند. شنیده‌ام که اتحادیه پوشاک خیلی اعتراض دارد اما می‌خواهم بگویم بابت ارزان‌ترین جنس هم مردم باید حداقل ۵۰هزارتومان پول بدهند که من اطمینان دارم نصف آن هم سود است اما حالا سر صدتومان چک‌وچونه می‌زنند. حرف آخر من این است: همان‌طور که هیچ اجباری در استفاده از سرویس pos نیست و هیچ پول اجباری هم قرار نیست از کسی گرفته شود که بعضی‌ها بگویند باید با ما هماهنگ شود؛ مثل آب، برق، گاز و تلفن پول بابت خدمتی که ارایه می‌دهم می‌خواهم پول آن را بگیرم، لزومی به هماهنگی با هیچ‌کس هم ندارم. کسی می‌خواهد پول و کارمزد ندهد، خدمت ما را هم استفاده نکند.

مدیرکل فناوری اطلاعات و ارتباطات بانک‌مرکزی در گفت‌و گو با «شرق»:

اصناف برای ۱۰۰تومان جنجال می‌کنند

خبر

نرخ تورم شهریور ۲۱/۱درصد شد

● **شرق:** نرخ تورم در ۱۲ماهه منتهی به شهریورماه۹۳ نسبت به ۱۲ماهه منتهی به شهریورماه۱۳۹۲ معادل ۲۱/۱درصد شد، همچنین شاخص مذکور در شهریورماه امسال نسبت به ماه مشابه سال قبل معادل ۱۴/۴درصد افزایش داشته است. بانک‌مرکزی شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در شهریورماه۹۳ را اعلام کرد. خلاصه نتایج به‌دست‌آمده از شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران بر اساس سال پایه ۱۰۰=۱۳۹۰ به شرح ذیل است: شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در شهریورماه۱۳۹۳، به عدد۲۰۲/۰رسید که نسبت به ماه قبل ۱/۴درصد افزایش یافت. شاخص مذکور در شهریورماه۱۳۹۳، نسبت به ماه مشابه سال قبل معادل ۱۴/۴درصد افزایش داشته است. نرخ تورم در ۱۲ماهه منتهی به شهریورماه۱۳۹۳ نسبت به ۱۲ماهه منتهی به شهریورماه۱۳۹۲ معادل ۲۱/۱درصد است.

درآمد مالیاتی ۲۸هزار میلیاردتومان در ۶ماه

● **فارس:** رییس سازمان امور مالیاتی کشور با اشاره به اینکه پس از اجرای طرح جامع مالیاتی، مالیات عایدی سرمایه بخش مسکن اجرا خواهد شد، گفت: در شش‌ماه نخست سال‌جاری ۲۸هزارمیلیاردتومان درآمد مالیاتی کسب‌شده است. علی عسکری، با اشاره به درآمد مالیاتی کشور در شش‌ماه اول‌سال اظهار کرد: درآمدهای کسب شده در شش‌ماه اول سال ۲۸هزاروصدمیلیاردتومان است که از محل مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم و ارزش افزوده است. رییس سازمان امور مالیاتی کشور با بیان اینکه حدود ۹۵درصد تکلیف بودجه شش‌ماهه از درآمد مالیاتی محقق شده است، تصریح کرد: از کل درآمدها حدود ۹هزارو۷۷۰میلیاردتومان مربوط به مالیات‌برارزش‌افزوده‌است.

احتمال تخصیص فاینانس روسی به پروژه‌های پتروشیمی

● **تسنیم:** وزیر نفت گفت: احتمال استفاده از فاینانس روسی برای تمامی حوزه‌ها وجود دارد که در این بین، امکان استفاده از آن در پروژه‌های پتروشیمی نیز محتمل است. بیژن نامدارزنگنه اظهار کرد: با روسیه توافقاتی داشته‌ایم که موسسات مالی و بانک‌های دوکشور برای تبادلات مالی فعال شوند تا از تجارت دوکشور پشتیبانی مالی شود. وی افزود: احتمال استفاده از فاینانس روسی برای تمامی حوزه‌ها وجود دارد که در این بین، امکان استفاده از آن در پروژه‌های پتروشیمی نیز محتمل است. وزیر نفت خاطرنشان کرد: باید ببینیم توافقات اجرایی بین وزارتخانه‌ها و موسسات مالی دو کشور به کجا می‌رسد.

آغاز شناسایی دلالان مواد پتروشیمی

● **مهر:** قائم‌مقام وزارت صنعت، معدن و تجارت با اشاره به شناسایی برخی از دلالان و واسطه‌های بزرگ مواد پتروشیمی توسط وزارت صنعت اعلام کرد: قیمت آن‌دسته از مواد پتروشیمی تولید داخل که نسبت به قیمت‌های جهانی گران‌تر شده باشد به‌زودی در بازار داخلی کاهش می‌یابد. مجتبی خسروتاج، قائم‌مقام وزارت صنعت، معدن و تجارت با اشاره به شناسایی دلالان مواد پتروشیمی توسط این وزارتخانه، گفت: با آزادسازی قیمت محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های پلیمری، برخی از شرکت‌های صاحب پروانه دیگر از بورس مواد خریداری نمی‌کنند. این مقام‌مسوول با اعلام اینکه با آزادسازی قیمت‌ها، معاملات بورس شفاف‌تر و تقاضای کاذب به حداقل کاهش می‌یابد، تصریح کرد: بر این اساس شناسایی آن‌دسته از شرکت‌هایی که تا پیش از آزادسازی قیمت‌ها خریدهای قابل‌توجه و بزرگ از بورس انجام داده و هم‌اکنون خرید این شرکت‌ها متوقف شده است در حال بررسی است.

